

✎ موضوع: نقد دیدگاه خانم افسانه نجم‌آبادی

✎ مدرس: سرکار خانم دکتر زهره باقریان

«افسانه نجم‌آبادی» نویسنده، پژوهشگر و استاد رشته مطالعات زنان، جنسیت و تاریخ دانشگاه هاروارد است. او نوه شیخ هادی نجم‌آبادی از روحانیان مشروطه‌خواه است.

او سال‌ها مدیر گروه مطالعات جنسیت دانشگاه هاروارد بوده است. پژوهش‌های اخیر این پژوهشگر بیشتر بر روی بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری جنسیت و سکسوالیته در تاریخ ایران قرن نوزدهم و دوران معاصر متمرکز است.

نجم‌آبادی تاکنون تألیفات و پژوهش‌های بسیاری به زبان انگلیسی و فارسی منتشر کرده است. کتاب او با عنوان «زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش؛ نگرانی‌های جنسیتی در مدرنیته ایرانی» یکی از مهم‌ترین آثار اوست که با نگاهی جدید به تغییر مقولات جنسیت و تمایلات جنسی بر اثر مدرنیته در عصر قاجار می‌پردازد. کتاب «چرا شد محو از یاد تو نامم؟» با ترجمه شیرین کریمی نیز دیگر کتاب اوست. بحث غالب مقالات حاضر در این کتاب بازخوانی دوباره تاریخ برای یافتن رد و نشان زنان در تاریخ معاصر ایران و همچنین بررسی بازنمایی‌های میل زنان در داستان‌های شناخته‌شده ایرانی است.

بخش اول

▼ تاریخ‌نگاری خانم افسانه نجم‌آبادی ترکیبی از اندیشه‌های موج سوم فمینیسم و اندیشه‌های تبارشناسانه فوکو است.

تاریخ‌نگاری جنسیت موضوع خودش را نه «زن» بلکه «جنسیت» قرار می‌دهد. این روش برای اولین بار توسط خانم اسکات در آمریکا آغاز می‌شود. اسکات بیان می‌کند که جنسیت نسبی و تاریخ‌مند است، لذا به رد تفاوت‌های بیولوژیکی می‌پردازد و مرد یا زن بودن را برساخت اجتماعی می‌داند.

او همچنین در بررسی جنسیت رجوع به تاریخ را ناممکن و بی‌اعتبار می‌داند چرا که برای انکار جنسیت طبیعی زن و مرد علاوه بر رد ریشه‌ی طبیعی و بیولوژیکی، باید ریشه‌های تاریخی آن را رد کرد. این دیدگاه تحت تاثیر اندیشه‌های پسا ساختارگرایی فوکو است.

▼ خانم نجم‌آبادی در کتاب «زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش» سعی می‌کند تا به انکار جنسیت طبیعی زن و مرد بپردازد. او معتقد است که تاریخ از عقلانیت‌های مختلف در هر زمان و مکانی ساخته شده است و ما باید سازوکارهای عقلانیتی که جنسیت را در جامعه ایجاد می‌کند، بازیابی کنیم. سوآلی که نجم‌آبادی در آثار خود مطرح می‌کند این است که تاریخ‌نگاری بر مبنای کدام عقلانیت نگاشته شده و مشروعیت پیدا کرده است؟



دختران
نگار
آینه

▼ نجم‌آبادی در پارادایم اسکات شروع به تحلیل تاریخ زنان می‌کند که این روش دارای دو ویژگی است: اول اینکه **جنسیت از جنس ایجاد نمی‌شود، ریشه‌ی بیولوژیک ندارد و برساخته اجتماعی است**. دومین ویژگی اسکات در تاریخ‌نگاری جنسیت این است که **جنسیت نمادی از قدرت در جامعه است و ذیل قدرت در جامعه فهم می‌شود** که این گزاره را نجم‌آبادی بیشتر در کتاب «**دختران قوچان**» بحث می‌کند. طبق روایت خانم نجم‌آبادی فروش دختران قوچان به ترکمنان در خدمت مشروطه‌خواهی قرار می‌گیرد تا استبداد طرد شده و مشروطه طلب شود.

▼ نجم‌آبادی در کتاب زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش معتقد است که **با ورود مدرنیته روابط و امیال جنسی در جامعه‌ی ایران تطور و تحول یافته است**. او بیان می‌کند که ایرانیان قبل از مدرنیته **هم جنس‌خواهی داشتند و با ورود مدرنیته این هم‌خواهی به دگرجنس‌خواهی تبدیل می‌شود**. در این کتاب نجم‌آبادی علاوه بر برساختی بودن زن و مرد، به برساختی بودن روابط بین دو جنس بعد از مدرنیته نیز اشاره می‌کند.

بخش دوم

📌 **نمی‌توان در مسئله «جنسیت» با گفتمان غربی به فهم گفتمان شرق پرداخت.**

▼ تاریخ‌نگاری خانم نجم‌آبادی از زوایای مختلفی قابل نقد است. **تاریخ‌نگاری ایشان از نوع تاریخ‌نگاری فمنیستی است**. تاریخ‌نگاری فمنیستی در دو موضوع زن و جنسیت بحث می‌کند که در اولی به دیدگاه‌ها و تجربیات زنانه می‌پردازد و در دومی موضوعات تاریخی فراتر از یک جنس خاص بررسی می‌شود که اگر با آگاهی‌های فمنیستی و اندیشه‌های پست مدرن همراه باشد، خطرناک است.

▼ علاوه بر نقد به روش ایشان، نوع‌گزینش روایت‌های ایشان هم قابل نقد است. در بحث روایت‌ها **باید روایت‌های اخلاقی و ضدخلاق و روایت‌های تاریخی و اسنادی را از هم جدا کرد و نباید روایت تاریخی با اسنادی یکسان انگاشت**.

▼ نجم‌آبادی در کتاب‌های خود از منابعی غیر از تاریخ یعنی از سفرنامه‌ی مستشرقان استفاده کرده است. **بسیاری از روایت‌های گزارش‌شده از کردار جنسی ایرانیان، ناشی از عدم شناخت فرهنگ جامعه‌ی ایرانی و فقدان پیش‌فهم فرهنگی اروپاییان نسبت به ایرانیان است** که نجم‌آبادی آن‌ها را گزینش کرده است.

▼ ایشان برخلاف اینکه سعی می‌کند براساس اندیشه‌های پست‌مدرن بحث کند، در ارتباط با جامعه‌ی ایرانی تحلیلی یکنواخت ارائه می‌کند و می‌گوید کردارهای جنسی ایرانیان، همه به صورت یک‌دست و شبیه هم است در حالی که باید به این مسئله توجه می‌شد که جامعه‌ی ایرانی دارای ساختارهای فرهنگی مختلف، گفتمان‌ها و کردارهای جنسی متفاوت است. **از طرف دیگر نمی‌توان با گفتمان غربی به فهم گفتمان شرق پرداخت چراکه جنسیت امری گفتمانی است و این اقدام او به نوعی ضدروش محسوب می‌شود**.